

کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد: نورآباد و روستاهای پیرامون

دکتر محمدحسن ضیاءتوانا

دانشیار جغرافیا دانشگاه شهید بهشتی

علی شمس‌الدینی^۱

دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

چکیده

در عرصه فضایی سکونت‌گاه‌های انسانی، نابرابری در توزیع درآمد، تخصیص منابع اعتباری و محدودیت دسترسی به امکانات و خدمات همواره از جمله تنگناها و مشکلات در راستای توسعه روستایی و برقراری تعادل در روابط شهر و روستا به شمار می‌رود. از این رو صاحب نظران تلاش برای ارائه راهبردها و نظریاتی به منظور توسعه همه‌جانبه و پایدار در سطوح گوناگون ناحیه‌ای نموده‌اند. در این میان رویکرد «کارکردهای شهری در توسعه روستایی»^۲ به عنوان راهبردی با تأکید بر جذب خدمات و تسهیلات معیشتی - رفاهی در شهرهای عموماً کوچک و ارائه آنها به روستاهای پیرامون، همگام با حفظ ارتباط ارگانیک در چارچوب نظام سلسله-مراتبی میان شهر و روستاها توانسته زمینه‌های رشد و توسعه روستایی را فراهم آورد.

این پژوهش بر آن است با بهره‌گیری از چارچوب نظری و سازوکارهای رویکرد یاد شده، به تبیین جایگاه شهر نورآباد (مرکز شهرستان ممسنی) در توسعه روستاهای پیرامون با مورد شناسی دهستان بکش^۱ بپردازد. برای دستیابی به این هدف ضمن به کارگیری شاخص مرکزیت و سطح‌بندی روستاهای این دهستان در مقایسه با شهر، به عملکردهای اقتصادی - اجتماعی به ویژه نقش واسطه‌گری نورآباد، متکی بر مطالعات میدانی توجه شده است. مطالعه صورت گرفته نشان می‌دهد که شهر نورآباد در این رابطه نقش آفرینی دوسویه داشته است. بدین معنا که این مناسبات هم به رشد و توسعه شهر کمک کرده است و هم زمینه‌ساز توسعه روستایی در ابعاد گوناگون بوده است.

واژگان کلیدی: کارکرد، شهر، توسعه روستایی، شهر کوچک، نورآباد، ممسنی

مقدمه

از آنجا که روستاها و شهرها به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده یک سیستم در قلمرو فضای جغرافیایی خاص قلمداد می‌شوند، لذا همواره بین آنها مناسبات گوناگونی در ابعاد مادی و فرهنگی - اجتماعی وجود دارد؛ که این جریانات با دو ماهیت اثرگذار و اثرپذیر تحولات سکونتی شهر و روستا را هدایت می‌کنند (شاریه، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵). در واقع این روابط و پیوندها به واسطه مجموعه‌ای از جریان‌های افراد، فناوری، سرمایه و اطلاعات مشخص می‌گردند که هر کدام از این جریانات دارای جنبه‌ها و اثرگذاریهایی مضاعفی هستند که به صورت روابط متفاوت مکانی - فضایی و زمانی در عرصه‌های شهر و روستا بروز می‌یابند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۷). از اینرو این کانون‌های سکونتگاهی در شبکه‌ای نظام‌وار از تعاملات به هم می‌رسند، به گونه‌ای که هرگز موجودیتی مستقل از هم نداشته و همواره ضمن پیوندی

ناگسستی، از وابستگی متقابل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی برخوردار بوده‌اند. پس هرگونه عدم تعادل میان کانون و دیگر سکونتگاه‌های درون ناحیه موجب اختلال در سازوکار روابط آنها از جمله گسترش فقر و توسعه-نیافتگی روستاها و به تبع آن تغییر در توانمندی کارکرد و ساختار شهری می‌شود.

در این راستا؛ ایجاد و پایداری چنین رابطه و پیوندی ناشی از عوامل متعددی است که به طور نسبی بر یکدیگر تأثیر نهاده و با گذشت زمان و بر حسب شرایط گوناگون جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و اجتماعی شکل، محتوا، شدت و ضعف آن تغییر و به شکل کنونی درآمده است. بنابراین شکل‌گیری و تحول فضاهای جغرافیایی تحت تأثیر روابط و مناسبات میان ساخت‌های جغرافیایی است، و تجزیه و تحلیل فرایند حاکم بر مناسبات فضاهای جغرافیایی به درک شیوه‌های سازمان‌بندی در فضا منتهی می‌شود (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲). بدین منوال و از دیدگاه تاکولی روابط و پیوندهای روستایی - شهری را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد:

الف) روابط متقابل فضایی: (شامل جریان‌های افراد، کالاها، سرمایه، اطلاعات، فناوری و حتی مواد زائد؛ وب) روابط متقابل بخشی: که شامل فعالیت‌های روستایی که در نواحی شهری به انجام می‌رسند یا فعالیت‌هایی که اغلب به عنوان شهری طبقه‌بندی می‌شوند (نظیر صنعت و خدمات) اما در نواحی روستایی شکل می‌گیرند (Tacoli, 1998: p32). بر این مبنا، سکونت‌گاه‌های روستایی به طرق گوناگون با شهرها در ارتباط و پیوند قرار دارند و پیوندهای روستایی - شهری نزد افراد، گروه‌ها و خانوارهای روستایی بخش مهمی از واقعیت مکانی-فضایی و زیستی-عملکردی سکونت‌گاه‌های انسانی به‌شمار می‌رود (سعیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۰). نهایتاً سازوکارهای حاکم بر این روابط و مناسبات پیامدهای آشکاری در حیات اقتصادی شهر، حوزه‌های روستایی و به‌طور کلی نظام سکونت‌گاهی ناحیه برجای می‌گذارد (زنگنه، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

بیان مسأله

اگر فضای ناحیه را به‌عنوان یک سیستم در نظر بگیریم که شهر در کانون مرکزی این نظام و روستاهای پیرامون به منزله عناصر مکمل در اطراف این هسته قرار گرفته‌اند، بین این کانون و نواحی پیرامونی آن روابط متقابلی وجود خواهد داشت که در نظام اقتصادی-اجتماعی از تأثیرگذارترین جریان‌های همه‌جانبه در درون ناحیه می‌باشد، و ساختار فضایی ناحیه تحت تأثیر سرنوشت‌ساز آنها شکل می‌گیرد. به‌نحوی که این روابط متقابل در یک شبکه تعامل اجتماعی و نیز روابط متعکس حاصل از آن؛ سازمان‌های فضایی خاص خویش را در شهر و روستاها به طور دامنه‌دار و پیوسته پدید می‌آورد (مومنی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۹-۱۲۷). پس؛ پایداری نواحی شهری و روستایی با یکدیگر پیوندی ناگسستی دارد؛ به گونه‌ای که شهرها در کشورهای در حال توسعه ضمن برآوردن خدمات موردنیاز روستاها، آنها را با بازارهای ملی و جهانی پیوند می‌دهند (لینچ، ۱۳۸۶، ص ۵).

آنچه در چنین تبیین فضایی به‌عنوان یک اصل کلی و پذیرفتنی مهم می‌باشد، نقش‌آفرینی شهر در نظم‌بخشی سلسله‌مراتب سکونت‌گاه‌های روستایی از یک سو و تأثیر آن در کاهش نابرابری‌ها و بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی روستاها از سوی دیگر است. گرچه در این میان ادامه حیات و بقای یک شهر زنده و پویا به برکت سازوکار ارتباطات، تغییر ساختار و کارکردها و بالطبع جریان‌ات بین شهر و حوزه نفوذ آن می‌باشد؛ ولی باز هم نمی‌توان نقش پررنگ و برجسته‌ی شهر را در توسعه‌ی روستایی از طریق نحوه‌ی پیوندها و مناسبات شهری-روستایی نادیده گرفت.

بدین منوال؛ در یک نظام مناسبات شهری - روستایی، شهرهای کوچک به واسطه ارتباطات بلافضلی که با نقاط روستایی پیرامون خود دارند، می‌توانند جایگاه مهمی را به عنوان «مراکز رشد روستایی» بر عهده داشته باشند، و امکاناتی در زمینه ایجاد بازار، تأمین نهادهای کشاورزی و خدمات شهری را برای حوزه روستایی خود فراهم آورند (امکچی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰)، تا ضمن نظارت و مهار مهاجرت «بی‌برنامه» روستائیان به شهرهای بزرگتر؛ با رخنه اثرات رشد؛ موجبات پویایی، توسعه و برانگیختن این کانون‌های جمعیتی را در نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی فراهم بیاورد. هم اینکه بتواند با ادغام اقتصاد روستاها با اقتصاد دیگر شهرهای منطقه به ویژه شهرهای بزرگتر، زمینه‌های پیشبرد اهداف توسعه محلی و ملی را فراهم نمایند (زبردست، ۱۳۸۳، ص ۲۵). بدین ترتیب عرصه‌های شهری و روستایی در تعامل و ارتباط با یکدیگر قابلیت آن را پیدا می‌کنند تا از طریق جریان‌ها و پیوندهای مناسب اقتصادی - اجتماعی، زمینه مطلوبی را جهت کاهش فقر به وجود آورند (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ص ۹۴).

در پژوهش حاضر شهر نورآباد با ویژگی در حال گذار خود (از یک شهر کوچک به میانی) که با کارکردهای متعدد و مرکزیت شهرستان ممسنی به تجمع‌گزینی نهادهای سازمان‌های دولتی و خصوصی درون خود مبادرت نموده است، از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. از اینرو در شناخت مناسبات شهر نورآباد با دهستان بکش ۱ می‌توان به دگرگونی نقش‌ها، مبادلات و رابطه اجتماعی - اقتصادی مابین این شهر و روستاهای محدوده مورد مطالعه اشاره نمود. در این پژوهش نقش شهر نورآباد در خدمات‌رسانی و ارائه تسهیلات و بالطبع سازوکار عملکردی آن در توسعه روستاهای دهستان بکش ۱ طی سه دهه‌ی اخیر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

ادبیات مربوطه

چون برنامه‌ریزی فرایند تفکر در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که جهت‌گیری و آینده‌نگری را به صورت عملی در روابط و در راستای اهداف همه‌جانبه هدایت می‌کند (زیاری، ۱۳۸۱، ص ۶۰۰). لذا داشتن برنامه‌ای هدفمند به عنوان راهنمایی برای رسیدن به توسعه در تمامی عرصه‌های سکونتگاهی یک جامعه اعم از شهر و روستا مهم می‌باشد.

در دهه‌های اخیر و به دنبال رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان در حال توسعه، عقب‌ماندگی مناطق روستایی این‌گونه کشورها نسبت به دیگر مناطق سکونت‌گاهی بیشتر عیان گردیده است. که بعضاً این نابرابری‌ها به عنوان عوامل دافعه در محیط‌های روستایی؛ به همراه عوامل جاذبه در شهرها منجر به مهاجرت روستائیان به سمت شهرها شده است (ضیاءتوانا، ۱۳۶۶، ص ۸). از جمله عوامل اثرگذار در چنین جریانی، پراکندگی جغرافیایی روستاها و نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات و تسهیلات به آنها، محدودیت منابع طبیعی (در مقابل رشد سریع جمعیت) و بالاخص ناکارآمدی مدیریت در سطوح خرد و کلان بوده است. به همین جهت برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقاء سطح و کیفیت زندگی روستائیان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان تمهید توسعه روستایی متولد گردید.

حال اگر توسعه را به عنوان فرایندی پیچیده و حرکتی مستمر و پویا بنامیم؛ که هدف آن افزایش تواناییها به منظور رفع نیازمندی‌های مادی و معنوی (انسان‌ها) از طریق گسترش متوازن ساختارها و بهبود هماهنگ کارکرد نهادهای اجتماعی - اقتصادی و بهره‌برداری بهینه از تمامی امکانات و قابلیت‌های آن محیط باشد (ضیاءتوانا، ۱۳۸۲، ص ۸۷) لذا توجه

به عرصه‌های روستایی کشور و تأمین خدمات و تسهیلات کافی به منظور فعال‌سازی واحدهای روستایی، چه به دلیل ضرورت گسترش فعالیت‌ها و بویژه فعالیت‌های بخش اول و چه به دلیل سازماندهی صحیح امکان تثبیت جمعیت در عرصه‌های مختلف و نیز به دلیل نیاز به مرتبط ساختن سکونت‌گاه‌های روستایی به شبکه‌عام نظام سکونت‌گاهی کشور در تنظیم روابط شهر و روستا و در نهایت توسعه پایدار ناحیه، امری جدی و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

در این میان ساکنان مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه، معمولاً به منابعی که برای افزایش تولید و درآمدشان به آن نیازمندند، دسترسی فیزیکی و اقتصادی مناسبی ندارند (فنی، ۱۳۸۲، ص ۲۹). از اینرو به منظور توزیع بهتر خدمات، زیرساخت‌ها و ارائه تسهیلات مولد در نواحی روستایی؛ دنیس راندینلی (۱۹۸۰ و ۱۹۸۳) به دنبال به انجام رساندن پروژه‌هایی در کشورهای مختلف جهان سوم؛ راهبرد «کارکردهای شهری در توسعه روستایی» را مطرح نمود، تا ضمن فراهم آوردن زمینه‌های رشد در مراکز شهری، این کانون‌ها بتوانند با بسترگشایی فضایی جریان رخنه امکانات و رشد را به پایین تسهیل نمایند. به نحوی که این خدمات‌دهی همراه با توزیع عادلانه فضایی در روستاهای پیرامون موجبات توسعه این نقاط سکونت‌گاهی را فراهم آورد (شکوئی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۵ به نقل از راندینلی و رودل، ۱۹۷۸).

به عبارت دیگر؛ در یک نظام سلسله‌مراتب سکونت‌گاه یکپارچه، با اندازه‌ها و خصوصیات عملکردی متفاوت، خدمات و تسهیلات به طور مؤثر و کارآمد در کانون شبکه (شهر) مکان‌یابی می‌شود، که روستائیان بتوانند ضمن دسترسی آسان به این تسهیلات؛ از این شرایط به عنوان یک عامل اساسی در زمینه‌سازی برای تجاری‌کردن کشاورزی خویش و ایجاد رفاه اجتماعی نسبی در روستاها استفاده کنند (Rondinelli, 1985, p5). بنابراین راهبرد «یوفرد» با تحلیلی فضایی - منطقه‌ای، شیوه‌ای از تعیین سکونتگاهها را به دست می‌دهد که سرمایه‌گذاری در زمینه دستیابی روستائیان به خدمات شهری را تسهیل کرده؛ و جریان سرمایه‌گذاری‌ها را در جهت ایجاد یک الگوی متعادل جغرافیایی در زمینه توسعه اقتصادی و فیزیکی توزیع می‌نماید (رکن‌الدین‌فتخاری، ۱۳۷۷، ص ۶۵). در این چارچوب؛ راندینلی نقش شهرهای کوچک را در تأمین دامنه‌ای از خدمات و تسهیلات رفاهی - تولیدی به منظور تقویت محرک‌های رشد و توسعه در نواحی روستایی، مورد تأکید و توجه ویژه قرار می‌دهد (Hinderdink and Titus, 1998).

در تحلیلی دیگر؛ این راهبرد بر چارچوب همگرایی کارکردهای توسعه مکانی - فضایی استوار است، که در آن ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی محور قرار گرفته تا نوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی‌کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری‌کردن کشاورزی توسعه همه‌جانبه روستاها را برآورده سازد (صرافی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۰). بنابراین شهرهای کوچک به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با حوزه نفوذ خویش دارند می‌توانند با توجه به جایگاه بازار و کارکردهای اقتصادی - اجتماعی شهر از طریق برقراری پیوندهای مستقیم با عوامل تولید و مصرف به همراه توزیع خدمات توسعه‌ای با تراوش اثرات رشد به پایین؛ نقش مهمی را در فرایند توسعه در حیات روستاها ایفا نمایند. از این رو شهرها به منزله کانون ناحیه، نقش وحدت و ثبات بخشی را ایفا می‌کنند. در واقع توسعه و نوآوری در ماتریسی از مناطق شهری زاییده شده و به پیرامون روستایی جریان می‌یابد که در آن با رونق گرفتن شبکه بازار شهری، حاصل از دادوستد محصولات تولیدی روستائیان و کالاهای تولید شده نهایی در شهرهای کوچک؛ این داد و ستد متقابل اقتصادی و به تبع فروش تولیدات روستایی در شهر و محصولات شهر در روستاها؛

جریانی از انتقال پول و سرمایه از شهر به روستا و بالعکس را موجب می‌شود. این امر به نوبه خود موجی از جنب و جوش، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد در ناحیه و بالطبع هزینه‌شدن این پول در مراکز سکونتی شهر و روستاها را سبب می‌شود. که نهایتاً این پویایی اقتصادی به همراه ارائه مناسب خدمات در تمام سطوح می‌تواند به توسعه یکپارچه ناحیه (اعم از شهر و روستا) بیانجامد.

با این همه؛ نظریه راندینلی در عین سازندگی و دارابودن جذابیت در عرصه‌های توسعه روستایی / ناحیه‌ای؛ دارای یکسری نواقص به شرح زیر می‌باشد: الف) جایگزین کردن هدف یکپارچه‌کردن و پیوند دادن سیستم سکونت‌گاهی به جای هدف حداکثرسازی تعداد مردمی که دسترسی به کارکردهای ویژه دارند؛ ب) مکان‌های مرکزی رابه‌عنوان توزیع‌کننده خدمات در نظر می‌گیرد و به دسترسی اقتصادی مردم روستایی به کارکردهای شهری توجه چندانی ندارد؛ ج) اتکای زیاد نظریه به طرف عرضه سلسله‌مراتب شهری؛ د) عدم توجه به متولی تهیه و تدارک خدمات در مناطق روستایی؛ ه) - امکان انحراف روش به سمت مدلی کردن سلسله‌مراتب شهری متعادل و اشتباه گرفتن ابزار و هدف به جای یکدیگر و) تکیه بر توصیف سلسله‌مراتب سکونت‌گاهی موجود (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۶۳).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای روابط شهر و روستا، توسعه روستایی و جایگاه شهرها در این فرایند، و نیز مطالعات میدانی بر پایه جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش‌نامه و پرسش‌گری می‌باشد. در این مرحله با تأکید بر شاخص‌های میزان خدمات و امکانات موجود در روستاها، میزان مهاجرت و بازگشت ارزش افزوده سرمایه‌گذاری‌ها از شهر به روستاها، از طریق اطلاعات آماری گردآوری شده به تحلیل درآمده‌اند. از سوی دیگر با استفاده از روش شاخص مرکزیت و تعیین سطح‌بندی سلسله‌مراتب سکونت‌گاه‌های روستایی دهستان مورد مطالعه و تشریح کارکردهای اقتصادی-اجتماعی و خدماتی شهر نسبت به روستاهای مورد مطالعه به ویژه کارکرد واسطه‌ای شهر در ارتباط با روستاهای دهستان بکش ۱ و شهرهای بالادست منطقه؛ به تحلیل پرسش‌نامه‌ها با کمک روشهای آماری Spss پرداخته شده است.

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۴ روستا (برابر ۲۷ درصد از تعداد آبادیهای دهستان) می‌باشد که برحسب جمعیت، میزان خدمات و فاصله از شهر نورآباد انتخاب شده‌اند. نهایتاً هدف از این مقاله رسیدن به فرضیه زیر می‌باشد:

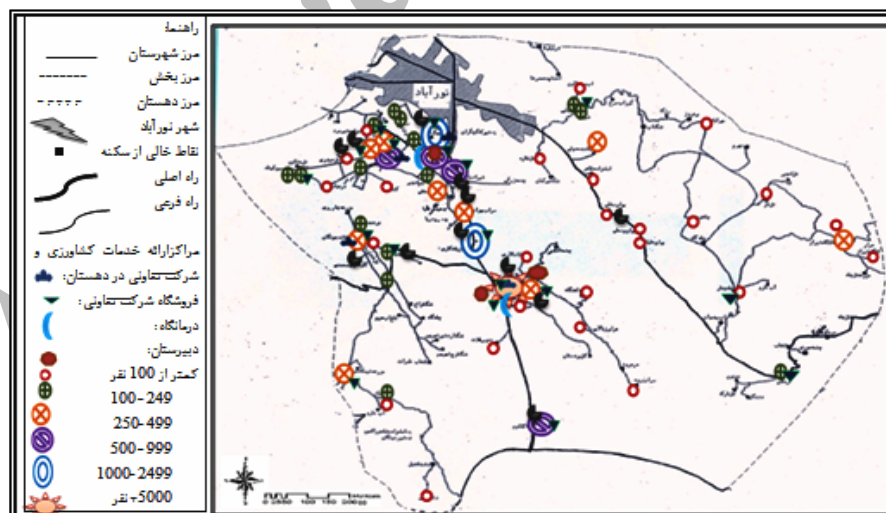
• نورآباد به عنوان یک کانون شهری توانسته است با ساز و کارهای خود از جمله خدمات‌رسانی و ارائه تسهیلات معیشتی، و با کارکرد واسطه‌ای خود ضمن ایجاد رابطه‌ای متقابل با روستاهای پیرامون خویش، زمینه‌ساز توسعه در روستاهای مورد مطالعه گردد.

شناخت محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شهرستان ممسنی یکی از ۲۶ شهرستان استان فارس می‌باشد که در شمال غربی این استان واقع شده است. شهر نورآباد به‌عنوان مرکز این شهرستان که در فاصله ۱۵۸ کیلومتری شیراز، ۵۸ کیلومتری کازرون، ۸۰ کیلومتر تا یاسوج واقع شده، در سال ۱۳۴۱ ه.ش. از ادغام ۲۰ روستا شکل گرفته است. این نزدیکی فاصله تا شهرهای مهم منطقه به همراه موقعیت گره‌گاهی ارتباطی مرکز-جنوب غرب کشور در مسیر عبور از

شهر نورآباد، خود بعنوان عاملی مهم در رشد و گسترش شهر به واسطه عرضه خدمات پذیرائی و تدارکاتی برای مسافران و به تبع آن روستاهای شهرستان بوده است. همچنین جمعیت نورآباد از ۵۷۴۰ نفر در سال ۴۱ به ۵۱۶۶۸ نفر سکنه در سال ۸۵ رسیده که این گویای مهاجرپذیری بالای شهر است.

محدوده روستایی مورد مطالعه، دهستان بکش ۱ می باشد که در محدوده انتهایی شهرستان؛ در بخش مرکزی و هم مرز با شهرستان کازرون واقع شده و دارای ۵۶ آبادی و ۱۷۲۳۶ نفر سکنه است. همچنین در این دهستان به دلیل بافت عشایری و روستایی ناحیه، وجود منابع آب و خاک مناسب جهت کشت و دامداری فعالیت‌های انسانی و معیشتی مردم ناحیه بر فعالیت‌های کشاورزی و خدماتی استوار است. نکته مهم در رابطه با جمعیت روستاهای این دهستان، افزایش رقم سکونت‌گاه‌های کوچک (کمتر از ۱۰۰ نفر) در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۷۵ و کاهش آن در سال ۸۵ به دلیل مهاجرت و خالی شدن روستاها از سکنه می باشد. به گونه‌ای که در سال ۷۵ (۵۱/۵۶) درصد آبادی‌های دهستان را این طبقه جمعیتی با ۱۳۱۲ نفر تشکیل می داد. این ویژگی بیشتر به دلیل طایفه‌ای بودن روستاها، تبعیت از ویژگیهای طبیعی، ظرفیت اقتصادی-تولیدی پایین آن روستاها به همراه کمبود زیرساخت‌ها و امکانات موجود در روستاها به تأسی از دوری و نزدیکی به مرکز شهر (برای استفاده و دسترسی به امکانات) می باشد. نهایتاً علیرغم افزایش جمعیت کل دهستان (به واسطه مولید) عوامل جاذبه شهری و دافعه روستایی باعث مهاجرت روستائیان به نورآباد شده است. به طوریکه در سال ۱۳۸۵، ۹ روستا خالی از سکنه و ۳۱ روستای دیگر دهستان با کاهش جمعیت نسبت به سال ۱۳۷۵ مواجه بوده‌اند. این کاهش جمعیت در مورد روستاهای با جمعیت بیش از ۵۰۰ نفر و برخوردار از خدمات نیز مشهود می باشد، که بیشتر مولود نظام معیشتی - اقتصادی حاکم بر این روستاها است (جدول و نقشه شماره ۱).



نقشه شماره ۱، رابطه بین موقعیت، امکانات، و طبقه‌بندی جمعیت روستاهای دهستان بکش ۱ در سال ۱۳۸۵

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۶.

جدول شماره ۱، تعداد روستاهای دهستان بکش ابر حسب طبقه بندی جمعیت در سالهای ۸۵-۱۳۵۵

سال	۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۵			۱۳۸۵		
	تعداد روستا	جمعیت کل	درصد روستا	تعداد روستا	جمعیت کل	درصد روستا	تعداد روستا	جمعیت کل	درصد روستا	تعداد روستا	جمعیت کل	درصد روستا
زیر ۱۰۰ نفر	۱۴	۸۱۲	۲۹/۷۸	۲۶	۱۳۳۱	۴۱/۲۶	۳۳	۱۳۱۲	۵۱/۵۶	۲۶	۱۱۴۷	۴۶/۴۲
۱۰۰ - ۲۴۹	۲۲	۳۹۰۴	۴۶/۸۰	۲۰	۳۵۴۰	۳۱/۷۴	۱۵	۲۶۲۰	۲۳/۴۳	۱۵	۲۶۴۶	۲۶/۷۸
۲۵۰ - ۴۹۹	۷	۲۶۲۲	۱۴/۸۹	۱۱	۳۴۱۲	۱۷/۴۶	۸	۲۹۸۲	۱۲/۵	۸	۳۰۲۴	۱۴/۲
۵۰۰ - ۹۹۹	۴	۲۳۴۲	۸/۵	۴	۲۸۰۳	۶/۳۴	۵	۳۱۵۵	۷/۸۱	۴	۲۶۴۱	۷/۱۴
۱۰۰۰ - ۲۴۹۹	-	-	-	۲	۳۲۶۱	۳/۱۷	۲	۲۲۶۷	۳/۱۲	۲	۲۲۱۰	۳/۵۷
۲۵۰۰ - ۴۹۹۹	-	-	-	-	-	-	۱	۴۲۲۸	۱/۵۶	-	-	-
۵۰۰۰ به بالا	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۵۵۶۸	۱/۷۸
جمع کل	۴۷	۸۸۶۹	۱۰۰	۶۳	۱۴۳۴۷	۱۰۰	۶۴	۱۶۵۷۳	۱۰۰	۵۶	۱۷۲۳۶	۱۰۰

منبع: بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای شهرستان ممسنی، سالهای ۸۵ - ۱۳۵۵.

سطح بندی خدمات در روستاهای دهستان:

برای تعیین این منظور از مدل تعیین ضریب مرکزیت مکانی که نوعی طبقه‌بندی از خدمات بر اساس ترتیب استقرار و ارزش مرکزیت می‌باشد، استفاده شده است. در ابتدا ماتریسی از انواع و تعداد خدمات در سطح دهستان به تفکیک هر روستا تهیه کرده و در مرحله بعد با کمک فرمول زیر ضریب مرکزیت هر کدام از خدمات را مشخص کرده و ضمن محاسبه شاخص مرکزیت هر روستا و مرتب کردن روستاها بر حسب رتبه به دست آورده شده؛ آنها را بر اساس معیار ۳-۵ و N سطحی در جدول سلسله مراتبی منظم می‌آوریم (زیاری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱).

۱۰۰

$$\text{ارزش مرکزیت سرویس نوع « الف »} = \frac{\text{تعداد روستاهای دارنده سرویس « الف »}}{\text{تعداد روستاهای دارنده سرویس نوع « الف »}}$$

تعداد روستاهای دارنده سرویس « الف »

برای به دست آوردن نظم و قاعده و مرکزیت در سطوح روستاهای دهستان مورد مطالعه؛ در یک طبقه‌بندی ۵ سطحی صرف نظر از روستای بزرگ خومه زار سفلی (با امتیاز ۱۶۵۰ در سال ۱۳۸۱)، به کمک میزان خدمات و امکانات موجود در هر روستا به نتایج زیر دست یافتیم.

نظم سلسله مراتب خاصی میان سکونت‌گاه‌های دهستان وجود دارد. به طوری که در سطح یک؛ سه روستا با جمعیت بالاتر از ۱۰۰۰ نفر که در فاصله ۳-۵ کیلومتر از نورآباد واقع شده‌اند، قرار دارد. و به همین ترتیب این نظم خاص در سطوح بعدی قابل مشاهده می‌باشد. در سطح دو؛ ۲ روستا و سطح بعدی چهار روستا وجود دارد و این نظم تا سطح آخر که ۴۳ روستا وجود دارد دیده می‌شود (جدول شماره ۷).

- در ناحیه مورد بررسی تمامی روستاهایی که در سطوح سلسله مراتب یک تا سه بوده‌اند در گروه جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر قرار دارند به گونه‌ای که این تعداد از روستاها، ۴۷ درصد از جمعیت کل دهستان مورد بررسی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین روستاهای این سطوح اکثراً در فاصله کمتر از ۱۲ کیلومتر از شهر (به استثناء روستای گلگون) واقع شده‌اند. به عبارت دیگر روستاهای با جمعیت بیشتر و فاصله نزدیکتر به شهر مرکزیت خدماتی بالاتری

نیز داشته‌اند. همچنین موقعیت کانونی و بین‌راهی آنان باعث جذب جمعیت و بالطبع جذب خدمات برای این سکونت‌گاه‌ها شده است.

در سطح چهارم سه روستا که هر سه با جمعیت ۲۰۰-۲۵۰ نفر مرکزیت خدماتی خود را مدیون موقعیت کانونی خود در میان مجموعه روستاهای اقماری خویش هستند. در فاصله بیش از ۱۲ کیلومتر از شهر قرار دارند. در برابر ۷۸ درصد از روستاها در پایین‌ترین طبقه سلسله‌مراتب این پنج سطحی قرار می‌گیرند. از لحاظ جمعیتی اکثریت سکونت‌گاه‌ها به استثنای آنهایی که چسبیده به نورآباد یا روستاهای بزرگ قرار دارند و از امکانات و خدمات این کانون‌های روستایی استفاده می‌کنند، مابقی روستاها به نسبت دارای جمعیتی کمتر از ۱۰۰ نفر می‌باشند و در فاصله بیش از ۱۵ کیلومتر از شهر نورآباد واقع شده‌اند. از اینرو رابطه همبستگی بالایی بین جمعیت کم، فاصله از حوزه نفوذ مستقیم شهر نورآباد و سطح برخورداری روستاها وجود دارد.

جدول شماره ۷، سطح بندی خدمات روستاهای دهستان بکش ۱ به استثناء روستای خومه‌زارسفلی با استفاده از شاخص مرکزیت

سطح روستا	شاخص مرکزیت	تعداد روستا در هر مرتبه	درصد روستا در هر مرتبه	نام روستا	میانگین جمعیت هر سطح
سطح یک	۲۶۵/۵۹ و بالاتر	۳	۵/۳	گچگران- رازبانه‌کاری- شهرک گچگران	۹۵۵
سطح دو	۱۹۹/۱۸ - ۲۶۵/۵۹	۲	۳/۵	شیراسپاری- سراب بهرام	۵۰۰
سطح سه	۱۳۲/۷۷ - ۱۹۹/۱۸	۴	۷/۱	تل سیاه- شهرک هرایرز- تلریزی عالیوند- گلگون	۵۱۲
سطح چهار	۶۶/۴ - ۱۳۲/۷۷	۳	۵/۳	قلعه پیرو- پودنگ و دم قنات جونگان	۲۶۰
سطح پنج	کمتر و ۶۶/۴	۴۳	۷۸/۵۷	مابقی روستاها	زیر ۲۰۰ نفر

منبع: مطالعات میدانی بر اساس سرشماری گارگاه‌های روستایی شهرستان ممسنی در سال ۱۳۸۱.

رابطه اقتصادی - اجتماعی نورآباد با روستاهای مورد مطالعه

آنگونه که از برآیند جریان‌ات رفت و آمد روستائیان به شهر و نسبت آن با جمعیت روستاها برمی‌آید، به تناسب فاصله‌گیری از مرکز شهر و دور شدن آنها از حوزه نفوذ مستقیم نورآباد؛ روستاها دارای رابطه کمتری با شهر به واسطه تردد کمتر می‌باشند. اما روستاهای با فاصله‌ی کمتر از ۱۵ کیلومتر با نورآباد به دلیل افزایش رفت و آمد به شهر به واسطه داشتن وسائط نقلیه (۳۸ دستگاه مینی بوس و خودروهای شخصی) مناسب و کافی برای مراجعه، دارای ارتباط بیشتر و تنگ‌تر با شهر می‌باشند.

در این بررسی بیشترین تأکید بر بازار شهر نورآباد بوده است. به گونه‌ای که اکثریت مراجعه‌کنندگان به شهر کسانی هستند که برای خرید و رفع مایحتاج روزانه خود شامل خواروبار، لوازم خانگی، پوشاک و ... به بازار به‌عنوان تنها مرکز برتر اقتصادی - تجاری شهرستان مراجعه می‌کنند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲، مکان خرید وسایل و مایحتاج سکنه روستاهای دهستان بکش ۱ به ترتیب اولویت مراجعه

کالاهای مورد نیاز	لوازم خانگی	مواد غذایی	پوشاک و البسه	لوازم آرایشی - بهداشتی	کتاب و نوشت افزار	مصالح ساختمانی
شهر مورد مراجعه	۱	۱	۱	۱	۱	۱
نورآباد	۳	۲	۲	۳	-	۳
کازرون	۲	-	۳	۴	۲	۲
شیراز	۴	-	۴	۲	-	-
بندر گناوه	-	-	۵	-	-	-
یاسوج	-	-	-	-	-	-

منبع: مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۷.

بنابراین شهر نورآباد به عنوان مکان برتر و محل مراجعه اصلی روستائیان برای خرید وسایل و مایحتاج روزانه آنها محسوب می شود؛ و این رابطه در مورد کالاهای اساسی همچون مواد غذایی، پوشاک و البسه، کتاب و نوشت افزار به خوبی قابل مشاهده است. در مورد دیگر کالاها باز هم این بازار شهر نورآباد است که تحت عنوان واسطه اقلام مورد نیاز روستائیان را از دیگر شهرها به خصوص کازرون و بندرگناوه و تهران تهیه می کند و با مکانیزم فروش در بازار در اختیار روستائیان قرار می دهد. پس روستائیان تمامی نیازها و مایحتاج معیشتی - رفاهی و حتی تفریحی خود را از شهر تهیه می کنند. و می توان نوعی وابستگی روستاها به شهر را در عین همبستگی رابطه و پیوند بین آنها مشاهده نمود.

چون اقتصاد اکثر روستاهای دهستان (۵۵ درصد در سال ۱۳۸۵) بر پایه کشاورزی بوده است و ارائه خدمات و تسهیلات مالی برای کمک به افزایش تولیدات زراعی - باغی و ساخت و گسترش دامداری ها در روستاهای دهستان هم از سوی نهادهای دولتی و هم از جانب سرمایه گذاران ساکن شهر صورت می گیرد، لذا این سرمایه گذاری گاهاً توانسته به واسطه ایجاد شغل و افزایش درآمد روستائیان زمینه ساز توسعه روستاها گردد.

بدین منظور می توان از سرمایه گذاری ساکنین شهر و روستاها در تعدادی از روستاهای دهستان که در فاصله کمتر از ۱۵ کیلومتر به شهر و دارای قابلیت های مساعد جهت بهره برداری های زراعی و دامی و شبکه ارتباطی مناسب با دیگر مراکز جمعیتی می باشند، اشاره کرد. به طوری که ۱۳ سرمایه گذار در مجموعه روستاهای (عالیوند، گچگران، خومه - زار و جونگان)، اقدام به ساخت مرغداری و دامپروری های صنعتی (۶ مرکز پرورش گاو شیری، ۷ واحد پرورش گوساله و بره پرواری و ۴ مرغداری) نموده اند.

البته تمام جریان سرمایه گذاری ها به دامپروری ختم نمی شود، بلکه در روستاهایی که دارای موقعیت بین راهی بوده و در مسیر شبکه راه اصلی شهرستان واقع شده اند، سرمایه گذاری ها به سمت ساخت اغذیه خانه ها، تالارهای پذیرایی و رستوران کشیده شده است که در پاره ای از موارد باعث اشتغال زایی برای ساکنین روستاها شده است. چنین سازوکاری هر چند در مقیاس محدود موجب اشتغال زایی ساکنین برخی از روستاها (چون خومه زارسفلی و سراب - بهرام) گردیده است، اما به موازات آن توانسته به جذب نیروی کار و سرمایه خارج از روستا هم دست یابد.

بر پایه تحقیقات میدانی، اکثر سرمایه گذاران ساکن در روستاها بخشی از درآمد حاصل از چنین سرمایه گذاری را صرف ساخت واحدهای مسکونی جدید و یا تعمیر منازل خود در روستا و خرید لوازم مصرفی می کنند، ولی بخش

بیشتر سرمایه را در خرید زمین، مغازه و ساخت و ساز مسکن در شهر نورآباد به لحاظ سودآوری بیشتر سرمایه-گذاری می‌کنند.

قوی‌ترین رابطه و پیوند مابین روستائیان دهستان بکش ۱ و سکنه شهر نورآباد را می‌توان در تعاملات اجتماعی میان این سکونت‌گاه‌ها مشاهده نمود. به گونه‌ای که هم‌زبانی، هم‌فرهنگ و هم‌طایفه‌ای بودن باعث ازدواج و رفت و آمد بیشتر بین ساکنین شهر و روستاها شده و بالطبع سبب نوعی وابستگی و تعصب آنها به یکدیگر گردیده است. نمونه بارز این رابطه و وابستگی را می‌توان در زمان برگزاری انتخابات نمایندگی مجلس مشاهده نمود؛ که هر یک از روستائیان با طایفه‌گرایی سعی در فرستادن نامزدهای خود به جایگاه نمایندگی را دارند. (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. تطبیق آرای هر روستا در دهستان بکش ۱ و محله شهر، به هم طایفه‌ای خود در دور هشتم مجلس

تعداد آرای مأخوذه			نامزدها و مکان رأی گیری	حوزه های رأی شهر و روستا بر اساس طایفه ها
آقای مرادی (طایفه بکش)	آقای بناوی (طایفه رستم)	آقای احمدی (طایفه جاوید)	نامزدها مکان رأی گیری	
۴۸۳	۰	۲	مشتکان - شیرمرد	روستاهای محل سکونت طایفه بکش
۹۴۵	۳	۱	گجگران	
۲	۰	۲۸۹	کلگاه شیراز	روستاهای محل سکونت طایفه جاوید
۱۴	۱	۶۶۴	آب بید - عمومی	
۹۴۹	۱۱	۲۶۲	محله قلعه کهنه	محله سکونت طایفه بکش در شهر
۱۱۲۱	۸	۲۰۳	محله موردآبی	
۴۸	۹	۱۰۲۰	محله دوراهی	محله سکونت طایفه جاوید در شهر
۱۶۹	۷	۹۸۲	محله اسکان عشایر پایین	

منبع: مطالعات میدانی بر اساس گزارش عملکرد فرمانداری شهرستان ممسنی، بهار ۱۳۸۷.

مشاهده می‌شود که: تمامی روستائیان به شدت طایفه‌گرا هستند و حتی ساکنین شهر نیز با تعصب به هم‌طایفه‌ای خود رأی داده‌اند. بازتاب حاصل از این جریان در اکثر موارد در شهر نورآباد متجلی می‌شود. به گونه‌ای که تصمیم‌گیریهای سیاسی - طایفه‌ای در شهر توسط بزرگان هر طایفه گرفته می‌شود و به تأسی از این امر روستاهای این دهستان به دلیل بافت طایفه‌ای که دارند در تمامی جریانات و اتفاقات مربوط به انتخابات، طایفه‌گرایی و مسائل شهر نورآباد دخالت و نظارت دارند.

همچنین ساکنین روستاها در اثر تماس با مردم شهر و برقراری روابطی نظام‌وار در قالب بده‌بستان‌های فی‌مابین به ساختمان و شیوه زندگی اجتماعی شهر برخورد می‌کنند و به تدریج تحت تأثیر فرهنگ شهر قرار می‌گیرند. بنابراین تحت تأثیر شبکه‌های ارتباطی که این روستاها را با نورآباد پیوند می‌دهند به مرور و با افزایش مناسبات روستایی - شهری؛ بسیاری از آداب و رسوم و شیوه‌های زیست - معیشتی شهر همچون سبک خانه‌سازی، مصرف‌گرایی، پوشش و نحوه صحبت کردن توسط روستائیان مورد الگوبرداری قرار می‌گیرد. در نهایت ساکنین دهستان بکش ۱ نورآباد را خانه دوم خود می‌دانند و هیچ‌گونه احساس غربت در شهر نمی‌کنند. در یک کلام نورآباد به عنوان مرکز تعامل اجتماعی مابین ساکنین شهر و روستاهای پیرامون خود به حساب می‌آید و در ایفای نقش کارکرد اجتماعی نمود وحدت قومی، طایفه‌ای و اولین پایگاه اجتماعی مهم اهالی روستاهای شهرستان محسوب می‌گردد.

کارکردهای آموزشی - بهداشتی نورآباد:

در محدوده مورد مطالعه، ۷۳ درصد از روستاهای دهستان، یعنی ۲۷ روستا دارای مدرسه ابتدایی می‌باشند، ولی در مورد مدارس راهنمایی و دبیرستان تنها ۲۱ و ۷ درصد از روستاها، ۹ و ۳ روستا دارای اینگونه مراکز آموزشی هستند. اما از آنجائی که هیچکدام از روستاها دارای مراکز پیش‌دانشگاهی و یا هنرستان فنی حرفه‌ای نمی‌باشند، لذا مجبورند از مراکز آموزشی مستقر در شهر نورآباد استفاده کنند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵: تطبیق تعداد واحد های آموزشی در شهرستان، شهر نورآباد و دهستان بکش ۱ در سال ۱۳۸۷

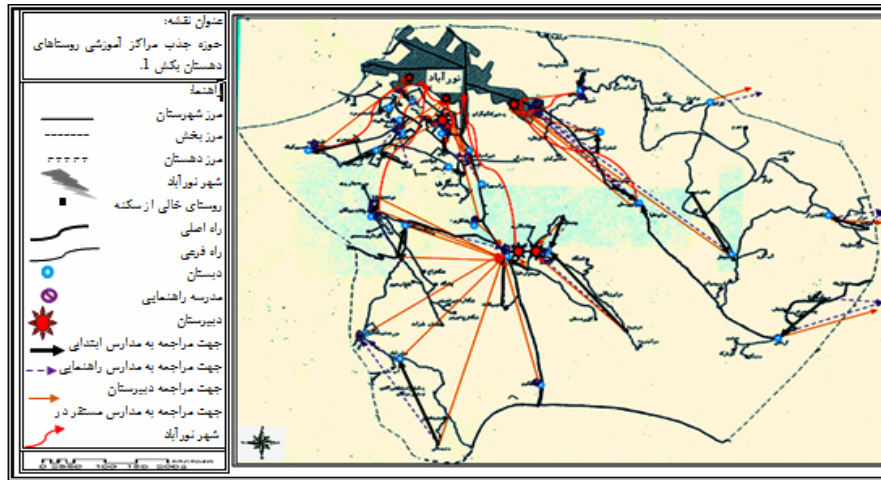
واحد آموزشی	ابتدایی	راهنمایی		دبیرستان		مرکز پیش دانشگاهی		هنرستان و کارودانش		آموزشکده فنی		آموزشگاه کنکور		آموزشگاه زبان		آموزشگاه کامپیوتر		حوزه علمیه		مراکز آموزش عالی
		ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	مختلط	
ممسنی	۴۱۷	۵۳	۵۹	۲۱	۲۲	۶	۷	۷	۸	۱	-	۴	۶	۵	۷	۴	۳	۱	۱	۳
نورآباد	۱۴	۱۴	۱۳	۱۲	۱۰	۳	۴	۴	۴	۱	-	۲	۳	۳	۴	۲	۳	۱	۱	۳
دهستان بکش ۱	۳۲	۶	۹	۲	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-

منبع: مطالعات میدانی بر اساس گزارش سالیانه آموزش و پرورش ممسنی، سال ۱۳۸۷.

از آنجائی که بیشترین و کارآمدترین مراکز آموزشی دولتی و آموزشگاه‌های علمی - خصوصی و غیرانتفاعی شهرستان در نوبت‌های دخترانه و پسرانه در شهر نورآباد مکان‌گزینی شده‌اند، لذا استقبال از آنها برای روستائیان نیز صورت می‌گیرد. از اینرو در مسیر حرکت دانش آموزان دهستان بکش ۱ به طرف نورآباد به غیر از مراکز پیش-دانشگاهی و هنرستان‌های مستقر در شهر، مدارس غیرانتفاعی در مقاطع مختلف تحصیلی مهم‌ترین مراکز می‌باشند که از تمامی روستاهای دهستان دانش‌آموز می‌پذیرند و این محصلین علاوه بر پرداخت شهریه (به طور میانگین سالیانه ۵۰۰ هزار تومان) با خود پول به شهر وارد و در آن هزینه می‌کنند. نکته مثبت این روند را می‌توان در بعد فرهنگی و علمی این حرکت به سمت مراکز آموزشی مستقر در شهر مشاهده نمود. از بعد دیگر دانش‌آموزان در شهر بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی ساکنین شهر را با خود به روستاهای محل زندگی خویش وارد می‌کنند. (نقشه شماره ۲).

با توجه به نقشه شماره ۲ متوجه می‌شویم که بیشترین تعداد مراکز آموزشی در روستاهای پرجمعیت که در مسیر راه ارتباطی واقع شده‌اند، قرار دارد. اکثریت روستاهای نیمه شرقی دهستان به لحاظ کمبود اینگونه مراکز در روستاها از مدارس مستقر در شهر نورآباد استفاده می‌کنند. و سه کانون بزرگ روستایی (خومه زارسفلی، گچگران و تل‌سیاه) بیشترین مراجعات روستائیان برای بهره‌برداری از تسهیلات آموزشی را دارا می‌باشند و به عنوان مرکز برتر در میان روستاهای اطراف خویش به شمار می‌روند. البته در این مسیر متوجه جذب دانش‌آموزان از یک روستا به طرف روستاهای دورتر و حتی شهر نورآباد می‌شویم که این بیشتر معلول شرایط آموزشی حاکم بر مدارس و سلیقه دانش-آموزان برای استفاده از مدارس موجود در یک روستای خاص است. به گونه‌ای که در روستاهای گچگران و خومه-

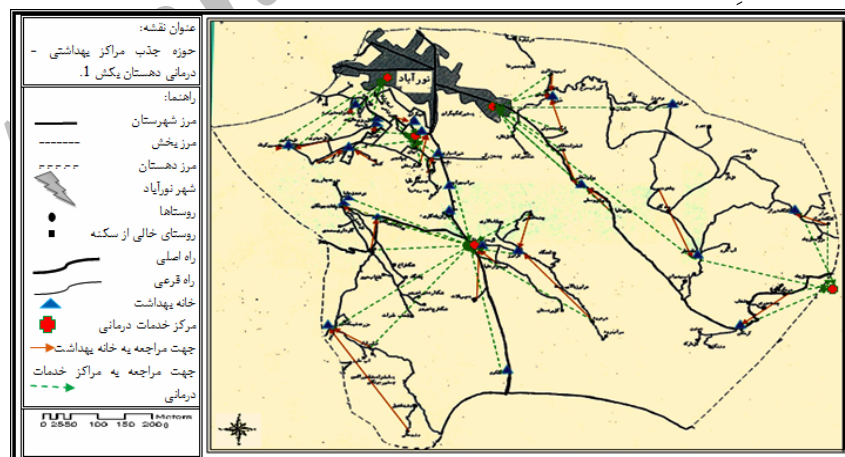
زارسغلی با وجودی که دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه وجود دارد باز هم حدود ۱۵ درصد از دانش‌آموزان این روستاها جذب مدارس موجود در شهر نورآباد می‌شوند.



نقشه شماره ۲، حوزه جذب مراکز آموزشی روستاهای دهستان یکش ۱.

منبع: مطالعات میدانی، سال ۱۳۸۷.

در زمینه‌ی امکانات بهداشتی در دهستان، دو درمانگاه خدمات درمانی در روستاهای خومه‌زارسغلی و شهرک- گچگران وجود دارد، که به همراه ۱۸ خانه بهداشت در روستاهای مرکزی این دهستان، و یک پزشک و دندانپزشک و یک داروخانه مستقر در روستای خومه‌زار وظیفه خدمات‌رسانی به روستائیان را برعهده دارند. امکانات و تسهیلات بهداشتی با توجه به پراکندگی مکانی و جمعیت روستاها بسیار ناچیز و ناکافی می‌باشند و نمی‌توانند جوابگوی نیاز روستائیان باشند، به گونه‌ای که اکثریت روستائیان احتیاجات پزشکی - درمانی خود را از ۴ درمانگاه، ۳ مرکز درمانی، یک بیمارستان و ۲۱ پزشک عمومی، ۱۴ پزشک متخصص، ۷ دندانپزشک، ۲ چشم پزشک، ۹ داروخانه به همراه ۷ آزمایشگاه تخصصی مستقر در شهر تأمین می‌کنند. (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳، حوزه جذب مراکز بهداشتی - درمانی روستاهای دهستان یکش ۱

منبع: مطالعات میدانی سال ۱۳۸۷

از آنجا که نورآباد به‌عنوان تنها کانون خدمات‌رسان برتر در ممسنی؛ از بسیاری از امکانات مورد نیاز روستائیان جهت استفاده برخوردار می‌باشد، لذا روستائیان ضمن مراجعه به شهر برای برخورداری و استفاده از این تسهیلات رفاهی - معیشتی؛ رابطه‌ای اجتماعی - اقتصادی با شهر برقرار می‌کنند، که این موضوع همبستگی در عین وابستگی هرچه بیشتر روستائیان به شهر؛ در جهت استفاده و بهره‌برداری آنها از تسهیلات موجود در نورآباد را می‌رساند. پس خدمات به‌عنوان نیاز اولیه و زمینه‌ساز رفاه و توسعه روستاها بواسطه نهادها و سازمانهای دولتی و خصوصی مستقر در نورآباد؛ در اختیار روستائیان قرار می‌گیرد، که این مهم می‌تواند موجبات رسیدن به رفاه اجتماعی نسبی، فراهم- آوردن شرایط برانگیختگی و به تبع زمینه‌سازی توسعه روستاها را فراهم آورد. (جدول ۶).

جدول شماره ۶، تطبیق تعداد خدمات رفاهی - زیربنایی موجود در دهستان بکش ۱ با شهر نورآباد.

امکانات و خدمات	تعداد خدمات در دهستان	تعداد خدمات موجود در شهر
کتابخانه و مرکز فرهنگی	-	۶
تاکسی سرویس	۱۱	۳۶
آرایشگاه مردانه و زنانه	۷	۳۲
خزازی و فروشگاه	۸	۱۷۵
راهپیمایی مدرسه	۹	۲۵
دبیرستان	۳	۲۲
درمانگاه و مراکز درمانی	۲	۷
پزشک عمومی متخصص	۲	۳۶
داروخانه و آرایشگاه	۲	۱۶
خرار و بار و لبنیاتی	۵۲	۱۹۲
بقالی و سوپر مارکت	۴۳	۲۱۷
بزازی و لباس فروشی	۱۹	۱۵۴
اغذیه فروشی و نانوائی	۱۵	۸۴
قصایی و مرغ فروشی	۱۸	۵۶
تعمیر ماشین و موتور	۱۴	۱۱۰
چوبکاری و نجاری	۸	۸۶
فروش مصالح ساختمانی	۹	۴۲
خیاطی و تعمیر لوازم خانگی	۸	۶۹
بانک و دفاتر معاملاتی	۳	۷۸

منبع: اداره آمار ایران، سرشماری کارگاه‌های روستایی و شهری شهرستان ممسنی (سال ۱۳۸۱).

کارکرد واسطه‌ای شهر نورآباد

در یک شبکه شهری همگون؛ شهرها به‌عنوان کانون هر فضای ناحیه‌ای علاوه بر ارتباطی که با نقاط سکونتی پایین‌دست خود برقرار می‌کنند؛ به‌عنوان یک مرکز برتر با کانون‌های بالادست خود نیز مبادلات و پیوندهایی دارند (اعتماد، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷). از این رو شهر نورآباد به‌عنوان مرکز شهرستان با سازوکارهای خاص و با استفاده از شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی و دولتی مستقر در شهر، واسطی میان روستاهای پایین دست و کانون‌های سکونتی بالادست خویش می‌باشد. با این حال برخی از نهادهای دولتی این قانون کلی را بر هم می‌زنند. برای مثال در ممسنی گندم و ذرت به‌عنوان مهم‌ترین محصول زراعی روستاهای دهستان توسط شرکت‌های تعاونی مستقر در روستاهای خومه‌زار، گچگران و شرکت تعاونی مستقر در نورآباد به طور مستقیم و تجار روستاها به طور غیرمستقیم از زارعین خریداری و ضمن جمع‌آوری توسط سازمان تعاون روستایی ممسنی به مرکز استان (شیراز) صادر می‌شود.

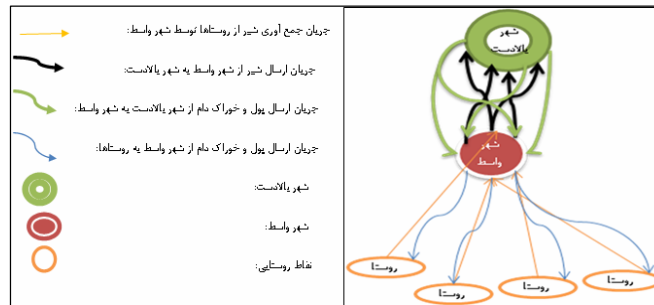
در دهستان مورد مطالعه همچون کل شهرستان ممسنی؛ سه شیوه مبادله (خرید و فروش) محصولات جالیزی و باغی را می‌توان مشخص نمود: الف) زارعان شخصاً با وانت‌بارهای خود یا خویشاوندان محصولات جالیزی و باغی را در شهرهای نورآباد، کازرون و شیراز (به گونه دوره‌گردی و یا ارئه آنها به میادین تره‌بار) به فروش می‌رسانند؛ ب)

دلالت و مغازه‌داران شهری (عمدتاً از نورآباد) این محصولات را نقداً یا به شکل سلف‌خری و یا مدت‌دار (پرداخت بخشی از آن بعد از فروش) از روستائیان خرید کرده و در نورآباد یا دیگر شهرهای استان به فروش می‌رسانند؛ ج) واسطه‌ها که عمده‌تاً خود دارای وانت‌بار هستند، محصولات خریداری شده را در روستاهای شهرستان یا شهرهای دیگر منطقه به فروش می‌رسانند. از این رو مشاهده می‌گردد که: شهر نورآباد به هر حال با واسطه و یا بی‌واسطه محصولات زراعی روستائیان را ضمن جمع‌آوری در بازار شهر، روستاهای شهرستان و شهرهای کازرون، شیراز و یا گچساران به فروش می‌رساند.

مهم‌ترین نمونه عملکرد واسطه‌گری شهر نورآباد در جمع‌آوری و خرید محصولات تولیدی روستائیان را می‌توان در عملکرد شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی در جمع‌آوری تولیدات لبنی روستائیان (عمده‌تاً شیر) مشاهده نمود. در این شهر چهار شرکت عمده (۱ دولتی و ۳ خصوصی) به‌طور روزانه و مداوم شیر تولیدی دامداری‌های روستاهای شهرستان (و دهستان) را جمع‌آوری و در شهر نورآباد و بازار دیگر شهرهای همجوار به فروش می‌رسانند. به طوریکه به غیر از شرکت تعاونی دولتی - متعلق به سازمان تعاون روستایی شهرستان - که شیر جمع‌آوری شده از روستائیان را به کارخانه لبنیاتی شهر مستقر در شهرک صنعتی نورآباد تحویل می‌دهد، دیگر شرکت‌های خصوصی محصول جمع‌آوری شده را به شهرهای شیراز، یاسوج، باشت، دهدشت و گچساران صادر و در آنجا به فروش می‌رسانند. شرکت تعاونی دولتی که هشت سرویس جمع‌کننده شیر در شهرستان دارد، روزانه ۱۱۰۰ لیتر شیر از روستاهای دهستان جمع می‌کند. این شرکت هر لیتر شیر را به مبلغ ۲۷۰ تومان (سال ۱۳۸۶) از روستائیان می‌خرد و در آخر هر ماه بهای آن را به دامدار تحویل داده یا در عوض کل پول یا مقداری از بهای شیر، خوراک دام را ضمن تهیه از دیگر شهرها به روستائیان دامدار پرداخت می‌کند.

سه شرکت خصوصی با ۶ سرویس جمع‌آوری کننده شیر در شهرستان، روزانه ۱۶۰۰ لیتر شیر از روستاهای دهستان بکش ۱ جمع می‌کنند و بهای آن را همانند شرکت دولتی به روستائیان پرداخت و شیر تولیدی را به شهرهای بالادست نورآباد در منطقه صادر می‌کنند.

نکته مهم در مکانیزم جمع‌آوری شیر و پرداخت بهای آن نهفته است، و نقش مهمی که شهر در این راستا دارد. به طوریکه در ۱۲ سال پیش که شرکت و یا سازمانی شیر تولیدی روستاها را جمع نمی‌کرد، روستائیان شیر تولیدی خود را به صورت ماست، کشک، کره، روغن و پنیر در بازار شهر نورآباد با مغازه‌ای به صورت قرارداد می‌فروختند و در قبال بهای آن مواد مصرفی مورد نیاز خویش را از مغازه خریداری می‌کردند و چه بسا در این راه ضمن صرف هزینه و نیروی انسانی فراوان متحمل خسارت‌های بسیاری به دلیل مجبور به فروختن می‌شدند. اما با تأسیس شرکت‌های جمع‌آوری کننده و خرید شیر که عمده‌تاً از سوی ساکنین شهر راه‌اندازی شده و در شهر نورآباد مستقر است؛ روستائیان علاوه بر دریافت بهای شیر خود در هر ماه به نرخ دولتی، از مزایای آن به صورت دریافت خوراک و علوفه مورد نیاز دام‌های خود برخوردار و در صرف وقت، هزینه و نیروی انسانی برای آنها صرفه‌جویی شد و توانستند با دریافت پول از شرکت‌ها خود بدون اجبار از بازار خرید نمایند (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱، مکانیزم جمع آوری شیر از روستاها توسط شهر نورآباد و ارسال آن به دیگر شهرها، بهار ۱۳۸۷

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۸۷.

جمع بندی

در این پژوهش شهر نورآباد به اتکای بخش خصوصی و نهادهای دولتی مستقر در شهر و به تبع آن برقراری مناسبات گسترده با روستاهای پیرامون، توانسته مبادلات کالا و پول را وارد چرخه تعامل اقتصادی - تولیدی ناحیه کند. چنین روابطی به همراه علقه‌های خویشاوندی - طایفه‌ای این امکان را به وجود آورده تا ضمن ایجاد پیوندی ناگسستنی به یکدیگر سبب پدید آمدن فضای خاصی از پیچیدگی و درهم تنیدگی شهر و روستا شود که در آن روستایی و شهری بدون احساس جدایی و غربت در کنار هم به مراودات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی برای گذران زندگی و رسیدن به رفاه خویش پردازند. این رفاه در هم تنیده و تأثیر حاصله از آن بر کانون‌های روستایی تا حد بسیار متعادل از فاصله فیزیکی و داشتن امکانات رفت و آمد به شهر و نیز شیوه‌های اقتصادی حاکم بر آنها می‌باشد. به گونه‌ای که میزان تأثیرپذیری روستاهای با فاصله کمتر از ۱۲ کیلومتر و جمعیت بیش از ۲۵۰ تن و بیشتر و فعالیت اقتصادی پردرآمدتر هستند. از این رو نورآباد به منزله کانون خدمات‌رسانی برتر نه تنها به ارائه تسهیلات رفاهی - معیشتی به روستاهای حوزه نفوذ به ویژه پیرامون خود موجب بالارفتن شاخص برخورداری آنها شده است، بلکه به لحاظ موقعیت و برقراری مناسبات اقتصادی با دیگر مراکز شهری نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. نهایتاً این شهر توانسته با کارکردهای گوناگون تاحدی زمینه‌ساز تثبیت جمعیت، ممانعت از خروج کل سرمایه و بازگشت بخشی از ارزش - افزوده حاصل از فعالیتهای اقتصادی روستا و حتی سرمایه‌گذاری‌هایی از شهر به روستاهای مورد مطالعه گردد.

منابع

امکچی، حمیده (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران،

اعتماد، گیتی و فرخ حسامیان (۱۳۸۵). شهرنشینی در ایران. تهران: انتشارات آگاه، چاپ پنجم،

پاپلی‌یزدی، محمدحسین و حسین رجبی‌سناجردی (۱۳۸۲). نظریه‌های شهر و پیرامون؛ چاپ اول. تهران: انتشارات سمت،

رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و علی موحد (پاییز ۱۳۷۷). «عملکردهای شهری و توسعه روستایی از دیدگاه یوفرد، مورد: بخش زواره». فصلنامه مدرس، شماره ۸؛ صص ۸۴ - ۶۴.

رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و حسن ایزدی‌خرامه (۱۳۸۰). «تحلیلی بر رویکردهای مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) و مدل تخصیص مکانی (LA)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲؛ صص ۶۵ - ۳۰.

زبردست، اسفندیار، اندازه شهر. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری،

- زنگنه، یعقوب (۱۳۸۵). « روابط شهر سبزوار با حوزه نفوذ آن », فصلنامه مطالعات جغرافیایی، سال اول، شماره ۱، سبزوار، صص ۷۵-۵۹
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۱). « برنامه و برنامه‌ریزی در ایران », مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۶۱۸-۵۹۹.
- زیاری، کرامت‌اله (۱۳۸۵): اصول و روشهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای. یزد: انتشارات دانشگاه یزد، چاپ چهارم،
- سعیدی، عباس (۱۳۸۲). « روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری (یک بررسی ادراکی) », فصلنامه جغرافیا، شماره ۱، تاریخ چاپ، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۷۱.
- سعیدی، عباس و فرهاد عزیزپور (۱۳۸۳). « شبکه‌های ناحیه‌ای و توسعه محلی با تأکید بر پیوندهای روستایی - شهری، نمونه موردی: شبکه تولید شیر در ناحیه لیتکوه (آمل/مازندران) », فصلنامه جغرافیا، سال دوم، شماره ۲، صص ۳۸-۱۹.
- شاریه، ژان برنار (۱۳۷۳). شهرها و روستاها؛ ترجمه سیروس سهامی. مشهد: نشر نیکا،
- شکوئی، حسین (۱۳۸۰). دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت، جلد اول، چاپ چهارم،
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای؛ مجموعه برنامه و بودجه، چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه،
- ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۶۹). « نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران ». ماهنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۴ صص ۱۱-۴.
- ضیاءتوانا، محمدحسن (۱۳۸۲). جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران، به کوشش عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و قدیر فیروزنیا. تهران: انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران، چاپ اول،
- ظاهرخانی، مهدی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۳). « تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین », فصلنامه مدرس، شماره ۴، صص ۱۱۱-۷۹.
- فنی، زهره (۱۳۸۲). شهرهای کوچک؛ رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور،
- لینچ، کنت (۱۳۸۶). روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه. ترجمه محمدرضا رضوانی و داود شیخی. تهران: پیام،
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). فرهنگ آبادیهای شهرستان ممسنی، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). فرهنگ آبادیهای شهرستان ممسنی، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). فرهنگ آبادیهای شهرستان ممسنی، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). سرشماری کارگاههای روستایی و شهری شهرستان ممسنی، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ممسنی، تهران.
- مؤمنی، مصطفی (۱۳۷۷). پایگاه علم جغرافیا در ایران، جلد اول: پایگاه جغرافیای شهری در ایران. تهران: انتشارات فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران،

- Hinderdink, J. and Titus, M. (1998) Paradigms of Regional Development and the Role of Small Centers, Thela Thesis, Amsterdam.
- Rondinelli, D.A. (1985) Applied Methods of Regional Analysis; The Spatial Dimensions of Development Policy. Boulder: West view Press.
- Rondinelli, D.A. & K. Ruddel (1978) Urban Functions in Rural Development; An Analysis of Intergrated spatial Development, U.S.A.D.
- Rondinelli, D.A. (1980) Spatial analysis for regional development a case study: E.R.B; philipine first published USA. United nation pres.
- Rondinelli, D.A. (1983) Development project as policy expemente: An adapt IV approach to development administration; London ethane.
- Rabinovitch, J. (2001) Planing Rural-Urban Linkages in Developing abate, UNDP.
- Tacoli. Cecilia (1998) Rural - Urban interactions: Aguide to the literature, Environment and urbanization. Vol 1.